ناگهان یکی از مهم‌ترین بازیکنان جهان شدم

اسکیلاچی: من قلابی نیستم

گزارش

شما فقط پروفایل واتس‌اپ توتو اسکیلاچی را ببینید تا متوجه شوید تابستان ۱۹۹۰ چطور زندگی او را برای همیشه عوض کرد. اسکیلاچی در بازی نیمه‌نهایی در ناپل در دقیقه ۱۷ ایتالیا را مقابل آرژانتین دیگو مارادونا پیش انداخت و دست‌هایش را بالا و پایین می‌برد و به هوادارانی که جشن گرفته بودند، آن چشم‌های خیره‌اش را دوخته بود. ایتالیا آن بازی را باخت اما اسکیلاچی دل هواداران را برد. بعد از یک فصل بازی برای یوونتوس برای بازی در خط حمله پرستاره‌ای انتخاب شد که امثال روبرتو باجو، جان لوکا ویالی و روبرتو مانچینی در آن حضور داشتند و بیرون از ایتالیا کمتر کسی درباره او شنیده بود.

بعد از جام جهانی، او یکی از مشهورترین آدم‌های ورزش شد چون با شش گل عنوان آقای گلی را به دست آورد و شهرتی جهانی پیدا کرد که هنوز هم باقی مانده. از بیشتر هواداران درباره خاطراتشان از جام ۹۰ بپرسید، دیر یا زود تصویری از اسکیلاچی را توصیف می‌کنند که شبیه تصویر انتخابی او برای واتس‌آپش است.

حالا ۵۵ سال دارد و در شهر خودش، پالرمو در سیسیل زندگی می‌کند؛ او در دوران قرنطینه با باغچه خانه‌اش سرگرم بوده: «عاشق طبیعت هستم. عاشق تماشای رشد این گل و گیاه‌ها هستم. من به اندازه کافی خوش‌شانس هستم و باغچه بزرگی دارم و می‌توانم هر چه می‌خواهم بکارم و میوه‌ها و سبزی‌های خودم را بپرورانم.» او همچنین در تدارک بازگشایی مدرسه فوتبالش در «AMAT پالرمو» است، باشگاه آماتوری که وقتی پسربچه بوده به آن ملحق شده؛ البته از دوشنبه که قوانین قرنطینه در ایتالیا تسهیل می‌شود: «دیگر نمی‌توانم صبر کنم.» حالا جوانتر شده بخصوص با کاشتن مویی انبوه که موهای تنک جام ۹۰ را به خاطره‌ای دور تبدیل می‌کند.

اسکیلاچی مصاحبه مفصل به ندرت انجام می‌دهد اما در این مصاحبه از چیزهای زیادی گفت از جمله ورود به دنیای سیاست، بازیگری و شرکت در تلویزیون واقعیت‌نما یا همان ریلیتی تی‌وی.

اسکیلاچی علاوه بر اداره مدرسه فوتبال، مرتب با یوونتوس کار می‌کند به عنوان مفسر و کارشناس و همچنین با باشگاه هوادارانش در سراسر جهان اما از یک جا شروع کرده: شب‌های جادویی تابستان ۱۹۹۰. در این مصاحبه تلفنی از پالرمو گفت: «۳۰ سال گذشته و طبیعتاً دوره جام جهانی همیشه در چشمان و ذهن من زنده است. با وجود اینکه مدت زیادی گذشته از محبوبیت من چیزی کم نشده. حتی هواداران جوان که به اینترنت و یوتیوب می‌روند و همه چیز را می‌بینند. وقتی به جاهای مختلف دنیا می‌روم هنوز علاقه و اشتیاق مردم را می‌بینم، عکس، امضا، توتو این کار، توتو آن کار. اگر من محبوبیت دارم فقط به خاطر کارهایی که در زمین انجام داده‌ام نیست بلکه کارهای بیرون آن هم اهمیت زیادی داشته. کسی ممکن است یک ستاره جهانی باشد اما یک آشغال تمام معنا هم باشد. اینکه توانسته‌ام به قلب ایتالیایی‌ها وارد شوم به خاطر رفتارم است. من همیشه برای آدم‌های معمولی وقت می‌گذارم. خودم را یکی از آنها می‌دانم، من قلابی نیستم. هواداران می‌دانند اسکیلاچی که می‌بینند همان است که بوده و برای همین دوستم دارند. من از هیچ به گلزن اول، بهترین بازیکن تورنمنت و نفر دوم توپ طلا تبدیل شدم. ناگهان یکی از مهم‌ترین بازیکنان جهان در آن زمان شدم اما خوشبختانه شخصیت باثباتی دارم که شاید با خیلی‌های دیگر فرق دارد. من هیچ‌وقت جلوی کامپیوتر نمی‌نشینم تا با خودم بگویم: باید بازی‌های ۹۰ را دوباره ببینم اما گل‌ها را همیشه می‌بینم. هر وقت یک کارتلویزیونی دارم یا به باشگاه‌های هواداری یوونتوس می‌روم، مردم نشانم می‌دهند، این گل‌ها همیشه هستند.»

> هر جا می‌روم از من عکس و امضا می‌خواهند، این یعنی هنوز زنده‌ام. امیدوارم هیچ‌وقت این متوقف نشود

شگفت‌انگیز درباره اسکیلاچی اینکه در جام جهانی ۱۹۹۰ با مدال طلا کارش را به پایان نرساند. ایتالیا در سال ۲۰۰۶ قهرمان جهان شد و در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۰ و ۲۰۱۲ به فینال‌های مهم دیگر رسید اما ناکامی خانگی هنوز هم تلخ است.

ایتالیا تا قبل از تساوی یک بر یک مقابل آرژانتین گل نخورده بود و البته یک گل هم در بازی رده‌بندی از دیوید پلات خورد. ایتالیا هم مثل انگلیس بدون اینکه در ۹۰ دقیقه مسابقه‌ای را ببازد، از جام خداحافظی کرد. اسکیلاچی وقتی با سؤال از جزئیات باخت به آرژانتین مواجه می‌شود، می‌گوید: «حرفش را نزن، حرفش را نزن!» چطور تیمی که فرانکو بارزی، پائولو مالدینی و باجو، سه تا از بهترین‌های آن موقع را در اختیار داشت، در خانه‌اش چیزی نبرد؟ خیلی از آنها از کابوس آن جام رها شدند اما اسکیلاچی بیش از همه تحت‌تأثیر قرار گرفت. مصدومیت و مشکلات بیرون زمین باعث شد هیچ‌وقت فصل اولش در یوونتوس تکرار نشود و تنها یک گل دیگر برای ایتالیا زد تا مجموع تعداد بازی‌های ملی‌اش ۱۶ تا باشد، هیچ‌وقت هم در یک تورنمنت بزرگ دیگر بازی نکرد.

او به یاد می‌آورد: «آن تابستان خیلی روی فرم بودم، حواسم در تمرین جمع بود و دست به هر چه می‌زدم، طلا می‌شد. در اوج قدرت بودم و بعد وقتی گل اول، دوم، سوم را می‌زنی دیگر همه چیز عادی می‌شود. همیشه در حال جنب و جوش بودم، سریع و هوشیارانه، دائماً در محوطه جریمه با فرصت‌طلبی بسیار و همکاری عالی با باجو. بیرون زمین هم دوستان خوبی بودیم و در طول تورنمنت هم اتاقی بودیم. ما تیمی فوق‌العاده بودیم، شاید یکی از بهترین‌های تاریخ اما متأسفانه این هیچ ضمانتی به شما نمی‌دهد. یک لحظه تعیین‌کننده است و مقابل آرژانتین آن لحظه علیه ما بود. همه چیز برای پیروزی ما آماده بود و من هنوز از اینکه نبردیم تأسف می‌خورم. فقط یک سال قبل، در دسته دوم برای مسینا بازی می‌کردم و هیچ‌کس من را نمی‌شناخت. هرگز چنین انتظاری نداشتم و اگر کسی پیش‌بینی‌اش را برایم می‌کرد، باور نمی‌کردم. واقعاً بعد از جام جهانی تحمل این همه فشار برایم سخت بود.»

او کارهای زیادی بعد از تابستان ۳۰ سال پیش انجام داده اما نام او همیشه با ایتالیای ۹۰ عجین است. با همسرش باربارا و پسرش در سیسیل زندگی می‌کند، یک دخترش در ورونا، یکی در مرز ایتالیا و سوئیس و یک پسرش در پرتغال زندگی می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: «در زندگی باید از فرصت‌ها استفاده کنی، در کودکی فراز و نشیب‌های زیادی داشتم، سخت به مدرسه رفتم اما عاشق فوتبال بودم و همین به من هدف داد. در محیطی بودم که آدم‌های خوب و بد بودند، می‌توانستم به دوستی با بدها کشیده شوم اما تلاش کردم اینطور نشود. آینده را هم دوست دارم، اگر مردم از من امضا و عکس می‌خواهند یعنی هنوز زنده‌ام. مشکل وقتی پیش می‌آید که دیگر برایشان اهمیتی نداشته باشم. خیلی از بازیکنان دوران حرفه‌ای موفق‌تری داشته‌اند اما حالا فراموش شده‌اند. من هنوز حرف می‌زنم و حرف‌هایم را می‌شنوند و امیدوارم تا وقتی زنده‌ام این ادامه داشته باشد.»

منبع: دیلی میل

به بهانه آغاز لالیگا از امروز

نبرد دوباره رئال و بارسا

گزارش

لالیگا، پس از وقفه به دلیل شیوع ویروس کرونا، امروز از سر گرفته می‌شود. قرار است ۱۱۰ بازی در عرض تنها ۳۵ روز برگزار شود اما نبردهای مهم کدام‌ها هستند؟ چه تیمی قهرمان می‌شود؟ کدام تیم‌ها به لیگ قهرمانان می‌رسند؟ چه تیم‌هایی سقوط می‌کنند؟ آقای گل چه کسی خواهد بود؟

کدام تیم قهرمان می‌شود؟

بارسلونا دو امتیاز بیشتر از رئال مادرید دارد اما اگر دو تیم مسابقات را با امتیازات برابر به پایان برسانند، رئال مادرید با برتری در دیدار رودررو قهرمان خواهد شد. ادن آزار و مارکو آسنسیو به میادین برمی‌گردند تا کریم بنزما را در خط حمله همراهی کنند. مادرید در این فصل ۱۴ گل کمتر از بارسلونا به ثمر رسانده و بازگشت این بازیکنان می‌تواند به مادرید کمک کند که این فاصله را پر کند اما خبر بد برای آنها اینکه لوییس سوارس هم به میادین برمی‌گردد.

بازی‌های دو تیم هم سخت است. بارسلونا باید در خانه با اتلتیکو مادرید بازی کند و در خانه سویا به میدان برود. رئال مادرید هم باید در خانه اتلتیک بیلبائو و رئال سوسیداد بازی کند. عامل ورزشگاه هم می‌تواند کلیدی باشد. نوکمپ، حتی در حالتی که خالی باشد هم برای حریفان رعب‌آور است.

مادرید ادامه دیدارهای این فصل را در ورزشگاه شش هزار نفری تیم دومش برگزار خواهد کرد. وقتی ایبار در این ورزشگاه به میدان برود، شاید آنجا برایشان مانند خانه به نظر برسد.

بارسلونا هم البته مسی را دارد اما اولویت آنها لیگ قهرمانان است. آیا او به نحوی زمان‌بندی خواهد کرد که برای آن مسابقات آماده باشد، یا اینکه آمادگی‌اش را برای ۱۱ دیدار باقی‌مانده در لیگ صرف می‌کند؟

زین‌الدین زیدان به شدت به دنبال فتح لیگ است و تیم او در خانه حریفان بهتر از بارسلونا عمل کرده است. عوامل زیادی در این زمینه تأثیرگذارند اما روحیه تیمی بارسلونا در صورت گرفتن چند نتیجه بد به هم می‌ریزد. همچنین گمانه‌زنی‌های پیاپی درباره آینده بازیکنان این تیم هم تأثیرش را خواهد گذاشت. به این ترتیب شاید دو تیم فصل را با امتیازات برابر به پایان برسانند و رئال قهرمان شود.

آیا ختافه به لیگ قهرمانان می‌رسد؟

با جدول فعلی که نه. آنها هم امتیاز با رئال سوسیداد هستند اما با گل زده کمتر در رده پنجم قرار دارند. البته آنها در بازی رفت در خانه سوسیداد پیروز شده‌اند و چند هفته بعد هم میزبان این تیم خواهند بود. اگر سویا، تیم سوم جدول هم دچار بحران شود، این دو تیم می‌توانند با هم به لیگ قهرمانان برسند. سویا با هدایت جولن لوپتگی در هنگامی که لیگ تعطیل شد فرم خوبی نداشت اما آنها بازیکنان زیادی دارند و البته در لیگ اروپا هم حضور ندارند.

چرا اسمی از اتلتیکو مادرید آورده نشد؟

چون آنها در حال حاضر در رده ششم جدول هستند و با اوضاع فعلی ممکن است به شکلی فاجعه‌بار به لیگ اروپا راه یابند. فصل مادرید بستگی به این دارد که آزار در بازگشت چقدر خوب باشد و فصل بارسا هم وابسته به این است که لوییس سوارس به اوج می‌رسد یا نه. در این میان سرنوشت اتلتیکو بستگی به دیه‌گو کاستا دارد. آیا او به بهترین فرم خود برگشته است؟ اگر اینطور باشد، اتلتیکو با پیروزی در خانه لیورپول می‌تواند روحیه گرفته و رویای کسب سهمیه لیگ قهرمانان را داشته باشد.

مونو بورخس، دستیار سیمئونه در پایان فصل از اتلتیکو جدا می‌شود و احتمالاً سرمربی یک تیم خواهد شد اما حیف است که فصل برای او به شکلی بد به پایان برسد. او می‌خواهد اتلتیکو دست‌کم دو تیم دیگر را کنار بزند و در جمع چهار تیم برتر قرار بگیرد.